



# بادهای تغییر

نویسنده: ویلیام. اچ. مک نیل

برگردان: اختر عبداللهی

برگرفته از: FOREIGN AFFAIR

پاییز ۹۰

خود در برابر خواستهای شهرنیزند، تشکیل نشده است. به هر حال فرزندان و نوادگان دهقانان حالا اکثریت جمعیت روس را تشکیل می دهند. بی شک، تلقی قدیمی روستایی، یعنی پذیرش تمایز افراد و اطاعت در مقابل قوی هنوز، در اذهان باقی است...

با وجود اینکه توقعات اینک فراتر رفته ولی همچنان آرامش برقرار است. اخبار و اطلاعات در باره وضعیت زندگی، اکنون در سرتاسر روسیه منتشر می شود. تقاضای آزادی و عدالت همراه با خواست امکانات بهتر برای زندگی و توزیع برابر مایحتاج، قوی و مصرانه است.

حفظ نتایج انقلاب تا نابودی تمام دشمنان سوسیالیسم از روی زمین، دیگر امکان و مفهوم خود را از دست داده است.

تفاوت مهم دیگر فرق میان شرایط سال ۱۹۹۰ و زمانهای پیشتر، موضوعی "جمعیتی" است. آنچه که در روسیه از بین رفته است، برخلاف پیش‌بینی‌های مارکس، دولت نیست، بلکه با اصلاحات پترین (۱) و استالینیتها، قدرت انسانی از بین رفته است.

میلیونها نفر از مناطق روستایی دور افتادند تا در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به کار گرفته شوند، بدون در نظر گرفتن این مسئله که تولید روستایی از بین می‌رود و حتماً شیوه‌های بهبود رهبری کار نیز عقیم می‌ماند، اما این سمک جابه‌جایی سودآور - از مزرعه به کارخانه - فقط تا زمانی می‌توانست دوام داشته باشد که نیروی کار روستایی کل جمعیت را تغذیه کند.

ایده‌آل‌های دنیوی سوسیالیسم و عملکردهای وسیع شهری، برخلاف امید، انتظار و اعتقاد بیلشویک‌ها، نتوانست مسلمانان را به زندگی در شهرهایی که شوراهایی با

مجله فارین‌افرز (Foreign Affair) ارگان شورای روابط خارجی آمریکا است. این شورا مجموعه‌ای است از سیاستمداران، تئوریسین‌ها، روزنامه‌نگاران و جمعی دیگر از نخبگان فرهنگی جامعه آمریکا که به منظور حفظ منافع بزرگترین محافل اقتصادی آمریکا به تحقیق روی مسائل مختلف سیاسی و ژئوپولیتیک می‌پردازد.

با توجه به شکل ساختاری رابطه مجامع سیاست‌گذاری و محافل روشنفکری در ایالات متحده، طبیعتاً "یک چنین نهادی به یکی از پرنفوذترین نهادهای مؤثر در روند دیپلماسی خارجی این کشور بدل شده است. در همین راستا امروزه شورای روابط خارجی در واقع بازوی تئوریک محافل سیاست‌گذاری خارجی آمریکا است.

مجله گزارش به منظور آشنایی خوانندگان با نقطه‌نظرات این نهاد در رابطه با یکی از داغ‌ترین مباحث صاحب‌نظران بین‌المللی یعنی تغییر چهره جغرافیایی سیاسی جهان به انتشار این مقاله پرداخته است. بدیهی است انتشار این مقاله الزاماً به معنای قبول یا رد محتوای آن نخواهد بود.

تا نیروی غیرمتخصص کار را فراهم کنند. آنها در پشت سر شرایط جدیدی را به جا گذاشتند، چرا که روابط جدید در روستاهای روسیه نیز نفوذ کرد. در نتیجه، آن شکاف عمیق که میان شناخت و تجربه توده روستایی با شناخت و تجربه جمعیت شهری وجود داشت، به طرز چشمگیری کاهش یافت. این کار با تغییرات بنیادی اجتماعی و سیاسی و تغییرات تکنولوژیکی قرن بیستم همراه شد و نتایج آن در اتحاد شوروی پدیده‌ای همه‌گیر شد. اما برای گورباچف و پیروانش، انگیزه دادن به جمعیت، دشواری‌هایی بیشتر از زمان لنین به همراه دارد. زیرا توده مردم - دهقانان و مهاجرین روستایی که در شهرها ساکن شده‌اند - حالا در موقعیتی هستند که خواسته‌های خود را بسیار موثرتر از زمان گذشته مطالبه می‌کنند.

فقط این موضوع در مورد یک سوم جمعیت کشاورز صدق می‌کند در حالیکه در سال ۱۹۱۴ حدود چهار پنجم جمعیت دهقان، کشتکار بودند. بنابراین، جامعه روسیه دیگر از روستاهای پراکنده‌ایی که قادر به دفاع از

موقعیت‌های انسانی هرگز برای مدتی طولانی نمی‌پایند. تغییرات بی‌شمار و کوچک، هر روزه و تقریباً نامحسوس، روشی است که الگوهای رفتاری و اعتقادی را نقب می‌زنند تا یک روز اعمال یک فرد یا حوادث یک اجتماع ناگهان ماشه حرکت و تغییرات غیر قابل‌کنترل در زندگی اجتماعی میلیونها نفر و یا در روزگار صدها میلیون نفر را بچکانند.

## The oath of the tennis court

نمونه این حوادث در سال ۱۷۸۹ است. لنین همان ماشه‌چکان سال ۱۹۱۷ است و اینک بعد از دو بیست سال که از انقلاب فرانسه می‌گذرد، میخائیل گورباچف آغازگر تحولاتی است که شاید در آینده مهم به نظر آید، هر چند که تاکنون عملکرد او خشونت انقلابی در پی نداشته است.

اول از همه اینکه توده دهقانی "چشم و گوش بسته" که بیش از سال ۱۹۱۷ اکثریت قابل‌توجهی را در روسیه تشکیل می‌داد دیگر در مقابل جمعیت شهری وزنه‌ای به حساب نمی‌آید. طبق برنامه پنج‌ساله میلیونها نفر از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت کردند

نظمی سیاسی انتقال مازاد مواد غذایی را از راه دور قطع می‌کند، تابع تغییر آداب زندگی است.

بنابراین کارهایی افزون شونده در روسیه (و در بسیاری از نقاط دنیا) با انتقال کشاورزی به سبک‌های ماشینی، در برگیرنده مخاطراتی است که در اقتصاد هر کشور رخ می‌دهد. رشد روند افزایش کارایی اقتصادی، اگر تاکنون به دست آمده باشد، به آسانی از آسیب پذیری‌های نابودکننده می‌گاهد.

در واقع، بخش اعظم عدم کارایی شوروی (در مقایسه با غرب) شکل تضمینی است که در مقابل قطع ناچیز گردش کالا و خدماتی قرار می‌گیرد و خاص این سیستم است. مدیران کارخانه‌های شوروی ترجیح می‌دهند موادی را ذخیره کنند و در دسترس داشته باشند تا خود را در مقابل بی‌نظمی‌های ناشی از نبود ذخیره حفظ کنند، می‌خواهند قدرت انسانی را حفظ کنند، تا مخاطرات حاصل از بازسازی یا جایگزینی نیروی کار را برای درآمد حاصل از ماشین‌های از کار افتاده به حداقل برسانند. عامل ساده این است که شیوه‌های قدیمی انقلاب سیاسی پایدار فقط در سرزمینهای تحت سلطه دهقانی امکان پذیر است. واقعا کسی نمی‌داند که برای رسیدن به یک جریان اجتماعی معاصر در چه زمینه‌ای شکست لازم است.

از طرف دیگر اگر فاجعه واقعا نمودار شود فشار ناشی از پذیرش یک رهبر و به هم بافتن تکه‌های یک اقتصاد و متلاشی درمندی کوتاه و سریع کاری بس عظیم و دشوار خواهد بود. دلیل دیگری که ما نباید در امریکا برای پیروزی در جنگ سرد به خودمان بهالیم، این است که جامعه امریکا نیز دچار مشکلات است. رقابت ما در بازارهای جهانی کاهش یافته است. شرکت‌های جدید، به خصوص با همراهی حوزه‌های پاسیفیک (۲) از امریکا و اروپا پیشی گرفته‌اند و صاحب محصولاتی با کیفیت برتر و ارزانتر شده‌اند.

چنین جابجایی اقتصادی هنوز در مراحل ابتدایی و نوزایی خود است و ممکن است به جایی نرسد. از طرف دیگر اگر بلوک قدرتمند چین بخواهد به نوگرایی دست بزند، بدون شک شرق دور برتری تازه‌ای پیدا می‌کند که همانند سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۴۵۰ میلادی خواهد بود یعنی قبل از آنکه اروپا چنین نقشی را به دست آورد. این شکل جابجایی هندسی رهبری جهان - اقتصادی فرهنگی و سیاسی - در گذشته‌های دور نیز اتفاق افتاده است و می‌تواند باز هم پیش آید. بدون تغییرات شدید و سریع در توزیع ثروت و قدرت، آنچنان که در دوره جنگ جهانی دوم



◆ وقتی مهاجرت‌های آرام یا تغییر شغل مشکلات و دشواری‌های خانواده‌ها را حل نکند، خشونت جمعی بروز خواهد کرد.

◆ رشد جمعیت پدیده‌های روستایی است.

می‌شود. زیرا ذخایر غذایی در دسترس، همیشه بیش از چند هفته یا چند ماه نمی‌پاید. بنابراین جای تعجب نیست که انقلابیون فرانسوی و روسی تلاش مجددی برای تغذیه شهرها به عمل آوردند. و چنین تلاشهایی به رغم همه مشکلات ادامه داشت زیرا آداب زندگی در روستاها بر این امر تاکید داشت. طبق این آداب محصولات درو شده بایستی در انبارهای روستایی ذخیره می‌شد. جایی که احزاب و حکام شهرها می‌توانستند به آن دسترسی داشته باشند.

اما در جهانی که نقل و انتقال محصولات درو شده متکی به سوخت تراکتورهاست که بایستی از پالایشگاه‌هایی چند کیلومتر دورتر به آن برسد، درصد آسیب‌پذیری شهرها شامل بخش روستایی جامعه نیز خواهد شد. دیگر هیچ سطح بنیانی وجود ندارد که آداب زندگی در برابر آن مقاومت کند، یعنی تولید مواد غذایی با راه و رسم رایج، حتی وقتی که بی

حقوق مساوی آن را اداره می‌کرد، سوق دهد. در عوض عدم اعتماد در رابطه میان روسها و مسلمانان نفوذ یافت و البته جنگ در افغانستان این عدم تفاهم را بیشتر کرد. به‌عنوان نتیجه، رشد جمعیت روستایی جمهوری‌های آسیای مرکزی، منبع قابل‌ارزشی برای برنامه‌ریزان روسی نشد، در حالیکه می‌توانست باشد. در عوض، ارتقاء آگاهی و شعور اسلامی که از سرنا سرمرزهای جمهوری‌های آسیای مرکزی و از همسایگانی چون ایران و افغانستان آمده بود، برای روسها شرم آور بود. تحت چنین شرایطی، فساد مدبران‌نخبه، و خواست‌های مردم برای بهتر شدن شرایط زندگی و حقوق خود مختاری می‌تواند همچون سال ۱۹۱۷، انقلابی را پدید داشته باشد. امروزه، انقلاب‌هایی از نوع انقلاب‌های فرانسه در سال ۱۷۸۹، روسیه ۱۹۱۷ و چین ۱۹۴۹ غیر ممکن است.

تضاد دائمی دستاوردهای بشری این است که ثروت و قدرت به دست آمده همواره با آسیب‌پذیری‌های روزافزونی بر سرای در هم شکستن همراه است و علتش این است که چنین دست‌آوردهایی همواره روابط "طبیعی" آغازین را تغییر داده است. همین مسئله در میان کشاورزان از آغاز دوران کشاورزی آشکار بود! شکست زراعی اغلب اتفاق می‌افتاد و همینطور مخاطرات زندگی، ناشی از غارت محصولات درو شده و به دست آمده، اینها مخاطراتی بود که گروه‌های شکارگر هرگز با آن مواجه نبودند. اما آسیب‌پذیری کشاورزان در مقابل خطرات زندگی، بسیار کمتر از آسیب‌پذیری جمعیت شهری در مواجهه با بلایای اجتماعی و طبیعی است. آنهم وقتی که جریان کالا و خدمات، که زندگی روزانه کشاورزان به آن متکی است، دچار مخاطره



اتفاق افتاد و برتری روز افزونی را در حوزه‌های خود نصیب شوروی و آمریکا کرد، دیگر محتمل به نظر نمی‌رسد. تنها پرسش این است که چه وقت و چگونه موازنه‌های جدید خود را نشان خواهند داد و به چه طریق عمل خواهند کرد. آنچه که راه‌آینده را می‌سازد، تفاوت‌های موجود در نسبت تولد و ایسته به تلاش‌هایی در زمینه‌های حیات قوی و ارتباطات فرهنگی خواهد بود. چرا که نوآمدگان تعداد خود را افزایش خواهند داد و خواهند آموخت که وزنه بیشتری در جامعه آمریکایی باشند.

هزینه‌های نظامی، سرانجام به طرز قابل قبولی می‌تواند نیازهای عمومی را برآورده کند. به عنوان نتیجه، علاقه به فرار داد برای سلاح‌های جدید هیچ مخالفتی را بر نمی‌انگیزد و هزینه‌های نظامی به شکل گسترده‌ای افزایش خواهد یافت. خریدهای نظامی دولتی، در حقیقت تبدیل به چرخ موازنه‌ای برای اقتصاد آمریکا خواهد شد و در گزشت کار کم و بیش مرسوم خواهد بود، در حالیکه محاسبات سیاسی و نه اقتصادی نیاز به تولید سلاح را تقاضا نخواهد کرد.

در ژاپن و آلمان که تولید سلاح امری غیرمهم باقی مانده است، به ناگزیر تفاوت اساسی با پیشرفت‌های به دست آمده در آمریکا، به وجود آمد. اما به واقع، این مسابقه تسلیحاتی با روسها بود که انگیزه‌های اساسی را برای آنچه که مدیریت اقتصاد سیاسی در طول چهاردهه گذشته نام گرفت، فراهم کرد. برای مثال لغو محدودیت‌های فرهنگی که از مشارکت بسیاری از جوانان سیاه‌پوست در جامعه شهری جلوگیری می‌کند، می‌تواند آرزویی برجسته باشد. اصلاح عمومی سیستم برای در اختیار داشتن جوانان حتی بیشتر از اینها می‌تواند مفید باشد. برای اینکه چنین برنامه‌هایی تاثیرگذار باشد باید علائق موجود را سرکوب کرد، عادات را تغییر داد و دیدگاهها را عوض کرد. چه نوع حمایت‌های سیاسی برای چنین مهندسی اجتماعی لازم خواهد بود؟ و تاثیرات جانبی غیرمنتظره و نتایج منفی که حتی از جانب برنامه‌های سنجیده شده، پدید می‌آید چه خواهد بود؟ درست همان ضربه‌ها به اصلاحات محیطی وارد خواهد آمد.

چنانچه طرح‌های سیاسی در جهت حفظ و حراست از شرایط موجود به شدت به کار گرفته شوند، مطمئناً تاثیرات جانبی غیرمنتظره و ارزش‌های نهانی پروسه صنعتی موجود را افزایش خواهند داد. تاثیر بطنی تجدید تسلیحات و کمک‌های خارجی حالا مورد بحث نیست، ولی باید همه این جوانب بررسی شود. اما حالا،

علیرغم خطرات خارجی که پدید خواهد آمد، باید به این مسئله داخلی اندیشیده شود. این تعهدات امروزه بسیار خطرتر از زمان جنگ هستند، زیرا، درست مثل روسها کسی واقعا نمی‌داند که چه عملی انجام دهد و با چگونه منابع را در اختیار بگیرد. تلاش برای پذیرش حکومت از جانب گروه‌های قومی، گروه‌های سنی، حمایت‌کنندگان، محیط‌گرایان و سایر علائق خاص بسیار دشوار است زیرا که تصویر قابل قبول از نیازهای عمومی همچنان اغفال‌کننده خواهد بود. به عنوان بازتاب بادهای تغییر که در آستانه دهه ۱۹۹۰ با قدرت و شدت وزیدن گرفته است، بهتر است خاطرنشان کنیم که رقابت دوا بر قدرت و آشفتنگی‌های داخلی‌شان پیچیدگی‌های مسائل جهان را کم نخواهد کرد.

می‌توان گفت که به طور جامع چه اتفاقی در حال رخ دادن است. تعجبی ندارد که عواملی مشابه روابط سیاسی و صف‌بندی میان مرزهای سیاسی آمریکا و شوروی توازن گذشته اجتماعی را همچون گذشته در سایر نقاط جهان برهم می‌زند. حقیقت این است که افزایش نمودار جمعیت (و نیز کاهش آن) با قدرت و شدت، زندگی انسانی و تجربه‌های در دهه‌های اخیر سرزمین‌های غنی و شهرنشین شده مواجه با کاهش تولد و پایین افتادن نرخ رشد جمعیت شده‌اند. این پدیده‌ای جدید است و فقط اخیراً خود را در میان ملت‌ها نشان داده است. از جنگ جهانی دوم تمام ملت‌های اروپایی، ژاپن و سرزمین‌های اروپایی ماوراء دریاها، آنچنان شهرنشین و غنی شده‌اند که ناچارند جمعیت خود را بازسازی کنند. در چنین شرایطی جامعه‌ای می‌تواند

حفظ شود که مرزهای فرهنگی را بشکند و مشاغل دون و پست را که بومیان نمی‌پذیرند تقسیم کند و در عین حال پذیرای جوامع قومی گسترده نیز باشد. در اروپا مهاجران اصلی خارجی را مسلمانان تشکیل می‌دهند: در آلمان، ترکیه، در فرانسه، الجزایری‌ها در انگلستان، پاکستانیها و ترکیه‌ها و ایرانی‌های آسیای مرکزی که از شوروی آمده‌اند، در آمریکا، اهالی کارائیب و آمریکای لاتین که از جنوب می‌آیند نقش مهمی دارند.

در استرالیا اختلاطی از اقوام آسیایی، و در جنوب آفریقا البته سیاهان آفریقایی هستند که برای ساکنان سفیدپوست آنجا مشاغل کم ارزش را انجام دهند.

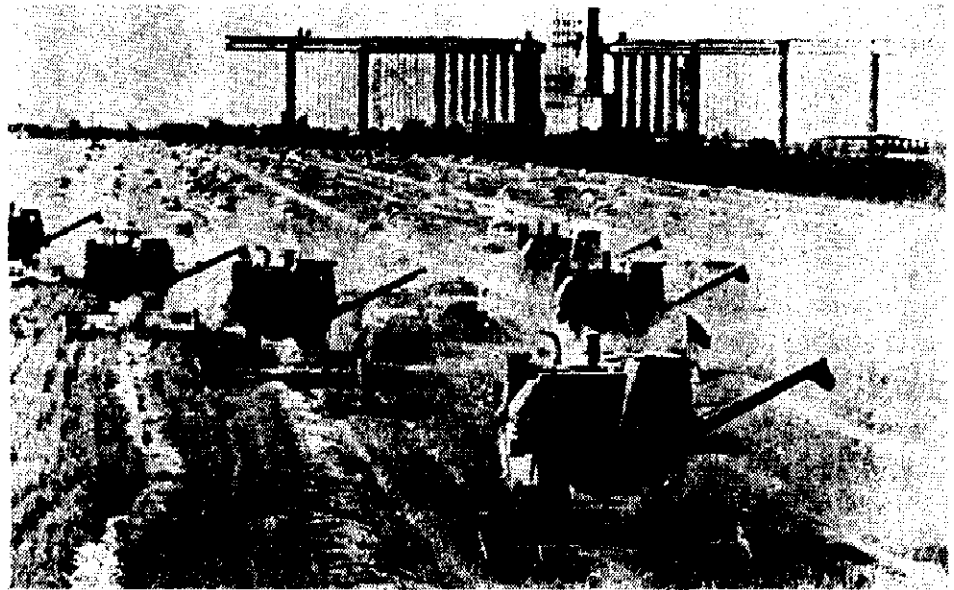
ژاپن همچنان استثناء است، زیرا با پذیرفتن مهاجر ترجیح می‌دهد تا سیاست و کارخانجات جدید را در همان محل و کشور دیگر احداث کند. اما کاهش نیروی کنار در ژاپن نیز به سرعت خود را نشان می‌دهد. و اگر نمودارهای جمعیتی به همین سرعت پیش رود، ژاپن نیز ناگزیر از پذیرش مهاجر خواهد بود.

باید اشاره کرد که در گذشته وحدت ملی در درون مرزهای مشخص، معیار جوامع متعین نبود.

پیدایش گسترده‌ی فرهنگی و نژادی اخیر در اروپا و آمریکا نوعی بازگشت به معیارهای تمدن گذشته شده است. اما این رویداد مسأله‌ای را به دنبال دارد، زیرا در گذشته مکراسی سیاسی و لیبرالیسم اقتصادی مشخصه حکومتها نبود. حفظ چنین شرایطی برای جامعه‌ای دیمکراتیک مقدور نخواهد بود اگر بخواهد جامعه را به دو بخش فرهنگی و قومی تقسیم بندی کند.

پدیده کاهش جمعیت در آمریکا نسبت به اروپا بسیار کمتر خود را نشان داده است،





گاهی مهاجرت‌های آرام یا تغییر شغل، مشکلات و دشواری‌های افراد و خانواده‌ها را حل می‌کند. وقتی این عمل نتیجه‌بخش نباشد، خشونت جمعی بروز خواهد کرد. تاریخ سیاسی جهان از سال ۱۷۵۰ این واقعیت را نشان داده است، زیرا نارضایتی روستایی در سرزمینهای یرجمعیت زمینهای برای اعمال جمعی و حرکت‌های انقلابی در فرانسه سال ۱۷۸۹، در روسیه ۱۹۱۷، در چین سال ۱۹۴۹ و اخیراً "در سرزمینهای چون السالوادور، پرو، لبنان و ایران شده است.

مهمتر آنکه در چند دهه اخیر با نفوذ رادیو و تلویزیون به روستاها، مقاومت در برابر فقر به دلیل شناخت از ارتباطات جدید به مراتب بیشتر شده است. کشاورزان که در نسل‌های پیشین وجودشان نادیده گرفته می‌شد، از وقتی که رادیو و تلویزیون به خانه‌هایشان راه یافت، با دنیای جدیدی آشنا شدند.

اکنون این مسئله برای بیشتر جمعیت روی زمین امکان‌پذیر شده است. رادیو و تلویزیون روستائیان را با نحوه تکلم و زندگی شهرنشینان آشنا می‌کنند. روستائیان که به دلیل کمبود محصولات روستایی تحت فشار قرار می‌گیرند، اکنون آمادگی آن را دارند که تمام حقوق زندگی شهری و برابری شرایط را با شهرنشینان مطالبه کنند.

از آغاز شهرنشینانی بشر، شکاف میان شهر و روستا مسئله‌ای مهم بوده است. اکثریت روستایی مواد غذایی را بیش از آنچه مورد استفاده‌اشان باشد، تولید می‌کردند و مازاد تولید را به شکل خراج و مالیات از دست می‌دادند، درحالی‌که شهرنشینان بابت آذوقه بدست آورده چیزی را بر نمی‌گرداندند. حتی زمانی که شیوه‌های مبادله میان شهر و روستا، غارت روستاها را در مراحل اولیه تمدن نشان می‌داد، توده روستایی مدتی طولانی از لحاظ اقتصادی بی‌بهره و از لحاظ سیاسی غیرفعال باقی ماندند.

مسئله جهان امروزه ما این است که آیا خواست برابری توده‌های روستایی ملهم از الگوهای عصیان در گذشته هست یا خیر. ارتباطات معاصر، درک این امر را دشوار کرده که آیا در آینده شکاف میان شهر و روستا عمیق‌تر خواهد شد یا نه. و آیا توده روستایی همچنان وضعیت گذشته خود را به گونه‌ای ادامه می‌دهد به خصوص وقتی که رشد جمعیت، آداب گذشته روستاها را غیرممکن می‌سازد، زیرا دیگر زمینی وجود ندارد تا نسل‌های دهفانی بتوانند ادامه حیات دهند.

۱ - اشاره تدابیری که در زمان پتر برای اصلاح ساختار اجتماعی انجام گرفت.  
۲ - اشاره به کشور‌های تازه صنعتی‌شده در دوره امانوس آرام.

## ◆ مطلب امروزه ما این است که آیا خواست برابری توده‌های روستایی ملهم از الگوهای عصیان در گذشته هست یا خیر.

شکلهای حیات است و آسیبی که توازن جوی و اقیانوسی از بابت فعالیت‌های انسان به خود می‌بیند، آنهم نه در سطح محدود بلکه همه‌جانبه و گسترده. نتیجه این امر البته الان بر کسی روشن نیست. می‌تواند در آینده‌ای به مشکلی حاد تبدیل شود.

حداقل این است که اکنون ما می‌دانیم که جریان مواد و انرژی که حافظ زندگی انسانی است به طرز گریزناپذیری محدود به اکوسیستم زمین است و ما با همه مهارت‌هایمان هنوز نتوانسته‌ایم از آن فراتر روم. با این وجود، امکانات تکنولوژیکی برای بدست آوردن مواد غذایی و انرژی بیشتر از زمین هنوز کاملاً مورد استفاده قرار نگرفته است و به نظر می‌رسد که جمعیت انسانی خیلی زودتر از آنکه به محدودیت مطلق اکولوژیکی برسد با تغییرات اجتماعی و سیاسی کنترل شود.

دلیل چنین مدعایی نیز این است که: جمعیت‌های انسانی در مقابل فقر مقاومت و از قسر افتادن معیارهای عادات زندگی جلوگیری می‌کنند. خیلی پیش از آنکه فقر افزایش یابنده به فرد فرد آدم‌ها برسد، انسانها دست به عمل می‌زنند تا بیشتر در این ورطه فرو نیفتند.

خاصه در شهرها و مناطقی که سفیدها جمعیت کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. اما رشد جمعیت پدیده‌های روستایی است. از زمان جنگ جهانی دوم، در اروپا و سرزمینهای اروپایی ماوراء دریاها رشد جمعیت دیگر خود را نشان نداد و در بقیه جهان این رشد چشمگیر بوده است. توازن جمعیت بین مردم اروپایی و غیراروپایی در این چند دهه اخیر به شدت خود را نشان داده است اما نتایج سیاسی آن هنوز آنقدرها قابل توجه نبوده است.

تغییرات در شیوع بیماری‌ها، همراه با تولیدات غذایی کافی، نظم زندگی مردم را گسترش و ارتقاء داد و بر تعداد جمعیت روی زمین افزود. این رشد روزافزون افق جدیدی در تاریخ زندگی بشر پدید آورد و در واقع از نقطه‌نظر سایر موجودات روی زمین باید گفت که انسان بیماری‌میری است که از سال ۱۷۵۰ در سطح زمین گسترش یافته است. همه جا، جمعیت انسانی، چهره زمین را مطابق نیازهای خود تغییر داده است و از تکنولوژی قدرتمند خود برای نابودی جنگلها، استفاده از آب ذخیره‌شده، چمنزارها و معادن استفاده کرده و هنوز در فکرها، راه‌های ناشناخته‌ایست که در جهت استفاده از با بیشتر کردن امکانات استفاده از اکوسیستم زمین، امکانات بیشتری برای خورد و خوراک و تولید انسانی فراهم می‌شود. تاکنون تمام پیشگویی‌های فجایع مرگ‌ومیر انسانی عدم صحتشان ثابت شده است هرچند که میلیونها نفر از مردم نقاط فقیر جهان در لبه پرتگاه مرگ زندگی می‌کنند. اما گرسنگی در تمام طول تاریخ بشریت، انسان را تهدید می‌کرده است بنابراین به خودی خود این مسئله‌ای تازه نیست.

مسئله جدید میزان یورش انسان به سایر